

آقای وزیر!  
نامش بهره‌کشی است



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در شورای عالی کار دربارۀ حادثه معدن طیس نکاتی را بیان کردند که شایان تأمل، بررسی و نقد است. نخست اینکه ایشان گفتند کارفرمایان، از جمله پیمانکاران معدن، تشکل‌ها و انجمن‌های متعددی دارند؛ درحالی‌که کارگران که تعدادشان هم بیشتر است، فاقد چنین تشکلی هستند. گویی کارگران در نداشتن تشکل و انجمن ضعیف عمل کرده‌اند یا شاید هم این‌گونه تلقی شود که کارگران فردگرا هستند و به نیروی جمعی باور ندارند. زمانی که نیروی کار اجازه ندارد تشکل‌های مستقل و آزاد تشکیل دهد و تشکل‌های کارگری دولت‌ساخته و دولت‌خواسته هستند و انواع موانع پیش‌روی کارگران برای تشکیل انجمن‌ها و سندیکاها مستقل است، وزیر کار باید از اقدامات وزارتخانه‌اش برای برطرف‌کردن موانع تشکیل انجمن‌های کارگری مستقل سخن بگوید. آقای وزیر برای رفع موانع تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌های مستقل کارگری چه کرده‌اید و چگونه مسیر تشکیل‌شدن آنها را تسهیل کرده یا خواهید کرد؟ شما موظف به ارائه چنین گزارش هستی، نه توصیف واقعیت آشکار. آقای وزیر، گفته‌اید همه درگشتگان معدن طیس از دهک‌های یک تا پنج بودند و به ضرس قاطع همه آنها فقیر به شمار می‌آیند. یعنی در جامعه با پدیده شاغلان فقیر روبه‌رو هستیم. به این معناست که اشتغال نمی‌تواند افراد را از فقر خارج کند. اشتغال در بخش‌های تولیدی و در محیط‌هایی که دستمزد مطابق با حداقل دستمزد مصوب دولت یا شورای عالی کار است، نمی‌تواند افراد را از فقر خارج کند. یعنی نیازهای اساسی افراد برطرف نمی‌شود. در برنامه سال آینده، دولت اعلام کرده حداقل دستمزد (البته برای کارمندان دولت) تا حدود ۳۰ درصد افزایش می‌یابد، اما باید گفت این افزایش نیست و عملاً حقوق در سال آینده نسبت به افزایش ندارد بلکه با کاهش هم مواجه است؛ چون این افزایش ۳۰ درصدی در حقیقت افزایش اسمی است و افزایش دستمزد واقعی نسبت به تورم در نظر گرفته می‌شود. در شرایط تورمی بالای ۳۰ درصد و افزایش اسمی دستمزد در همین حدود، یعنی سال آینده افزایش دستمزدی وجود ندارد و این یعنی فقر روزافزون نیروی کار. شما بفرمایید برای مسئله شاغلان فقیر چه خواهید کرد؟

آقای وزیر، گفتید برخی معادن برای افزایش سود بیشتر به دستمزد کارگران فشار وارد می‌کنند و آن را کاهش می‌دهند. اما نگفتید که این یعنی بهره‌کشی و استثمار عنان‌کسیخته. چرا به راحتی از کلمه سود و کاهش سود کارفرما سخن می‌گویید، اما از بیان بهره‌کشی و استثمار نیروی کار توسط کارفرما اکره دارید؟ می‌توان از نرخ‌های مختلف بهره‌کشی سخن گفت؛ نرخ بهره‌کشی در برخی معادن مانند کارگران قرن نوزدهم است گویی رمان ژرژ زیمبال را با توجه به وضعیت کارگران در معادن ایران دوباره می‌توان بازنویسی کرد. گفتید دستمزد در معادن ایران از هفت ده سال پیش‌تر است؛ معنای این حرف آن است که میزان بهره‌کشی در ایران از هفت ده سال پیش‌تر است. شما برای کاهش نرخ بهره‌کشی چه اقدامی انجام می‌دهید؟ آیا فقط گزارش می‌دهید که دستمزد پایین است یا می‌توانید بگویید ارزشی که نیروی کار در معدن ایجاد می‌کند، بسیار بیشتر از دستمزدی است که می‌گیرد و این یعنی استثمار. آرزای‌سازی نیروی کاری که شما به آن اشاره کردید، یعنی بهره‌کشی بیشتر، استثمار که ناشی از ناتوانی برای چانه‌زنی و نداشتن تشکل‌های کارگری مستقل است که به موانع اداری برمی‌گردد. به همکارانتان که برای شما گزارش تهیه می‌کنند و توانسته‌اند به این اطلاعات دسترسی پیدا کنند که درگشتگان معدن از چه دهکی بودند، بفرمایید برای شما گزارشی آماده کنند که در برابر افزایش میزان بهره‌کشی چه می‌توان کرد و چگونه می‌توان شرایط ایجاد تشکل‌های کارگری مستقل را تسهیل کرد؟ اما آقای وزیر، تناقض هم در حرف‌های شما وجود دارد؛ از یک طرف در جلسه می‌گویید کارفرمایان این صنعت سود می‌برند و معادن سودآور هستند و از طرف دیگر می‌گویید معادن و صنعت زغال‌سنگ به خاطر قیمت‌گذاری انحصاری توسط صنعت ذوب ضربه می‌کنند. از صحبت‌های شما این‌گونه برداشت می‌شود که در سر زنجیره استثمار، صنعت ذوب قرار دارد؛ چون بیشترین سود را از قیمت پایین زغال‌سنگ می‌برد. بفرمایید برای کاهش نرخ بهره‌کشی توسط صنعت بزرگ ذوب چه خواهید کرد؟ آقای وزیر، شما گفتید معادن از تکنولوژی‌های روز استفاده نمی‌کنند و به همین دلیل برای سود به دستمزد کارگران فشار وارد می‌شود، اما فراموش نکنید که بهره‌کشی از نیروی کار مولد در صنایعی که تکنولوژی بالایی دارند هم وجود دارد. علاوه بر این، صنعتی می‌تواند سود نداشته باشد ولی نرخ بهره‌کشی بالایی داشته باشد. جناب وزیر، مسئله بهره‌کشی از نیروی کار مولد نه فقط در معادن بلکه در همه صنایع و محیط‌های کاری با نرخ‌های متفاوت ممکن است وجود داشته باشد. به جای تمرکز بر تضمین سود برای کارفرمایان، نیمی‌نگاهی هم به افزایش میزان بهره‌کشی از کارگران داشته باشید. با روند فعلی بهره‌کشی، کارگران روز به روز فقیرتر می‌شوند و نابرابری افزایش می‌یابد.



دوشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۳  
۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۶  
۱۸ نوامبر ۲۰۲۴  
سال بیست‌ویکم  
شماره ۴۹۷۸  
۲۰ هزار تومان  
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: شورا به دنبال فاکتور پوسترهای تبلیغاتی شهردار • گفت‌وگو با سعید نبی به بهانه موفقیت‌های اخیر بین‌المللی در حوزه مستندسازی

بهارستان با ۲۰۷ رأی مخالف به یک‌فوریت لایحه اصلاح قانون انتصاب اشخاص در مشاغل حساس رأی نداد

ظریف و دیگر هیچ؟



این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. عکس: احمد معینی/جهان‌ایران

یک قاب تجربه

وفاق ملی - نگاه ملی - دولت ملی



جلیل سارکارتزاد

یکی از ابعاد تعاریف وفاق ملی مورد تأکید رئیس‌جمهور پزشکیان، وفاق و هم‌گرایی و همکاری جناح‌های سیاسی برای اداره بهتر حکمرانی در کشور است. اما بدون تردید این بعد از وفاق در پایین‌ترین سطح آن ارزیابی می‌شود. در واقع چنانچه دولت مصمم به بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های ملی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود است، باید به سطوح بالاتری از وفاق یعنی همبستگی دولت با ملت به معنای عام و فراگیر آن دست یابد که تحقق چنین خواستی مستلزم عبور دولت از نگرش وفاق سیاسی به نگاه وحدت ملی و فراگیر به همه ایرانیان ساکن کشور و خارج از آن است که پیش‌نیاز یک دولت وفاق ملی است. این یادداشت کوتاه، با بازخوانی دو تجربه تاریخی در تشکیل دولت ملی در ایران و آسیب‌شناسی آن دو رویداد، فرصتی را فراوری دولت وفاق قرار می‌دهد تا با پندآموزی از تجارب گذشته‌گان زمینه لازم را برای عملی شدن اهداف و برنامه‌های خود در تحقق وفاق ملی فراهم کند. تجربه تشکیل دولت ملی در دوره صفویان می‌تواند برای جامعه ایران آموزنده باشد. دولت صفوی به‌عنوان اولین حاکمیت روحانیت شیعه در ایران و نخستین دولت ملی که به اعاده وحدت جغرافیایی و سرزمینی ایران عمل کرد، ستودنی است اما از آنجا که هویت ایرانی را بیشتر به یکی از اجزای تشکیل‌دهنده آن محدود کرد، باعث بیگانه‌شدن بخش‌های مهمی از جامعه ایرانی مانند کردها، افغان‌ها، بلوچ‌ها و... حتی ساکنان آسیای میانه از دولت ایران شد و در ادامه به دنبال مداخله نیروهای بین‌المللی و بهره‌برداری آنها از این رنجیدگی‌ها بود که زمینه جداشدن

یادداشت

از پان‌تورانیسم تا پان‌ترکیسم



احسان هوشمند

در دو سده گذشته، اروپا شاهد ظهور ایدئولوژی‌ها یا جریان‌های فکری و سیاسی در قالب تحقیقات و مطالعات نژادشناسانه یا مطالعات زبان‌شناسانه و حتی شرق‌شناسانه بوده است. ژرمن‌گرایی، اسلاویسم، تورانیسم و پان‌ترکیسم ازجمله این دستگاه‌های فکری و سیاسی است که گاه لباس نژادی بر تن کرده و گاه بر ویژگی‌های زبانی یا تباری تأکید کرده‌اند. توران‌گرایی یا پان‌تورانیسم یکی از این ایدئولوژی‌هاست. توران نامی برآمده از فرهنگ ایرانی است. در اسطوره‌های ایرانی و ازجمله در اثر حماسی و جهانی حکیم طوس یعنی شاهنامه، توران برگرفته از نام تور برادر ایرج و سام است که فرزندان فریدون هستند. تور به پادشاهی توران می‌رسد. توران در این روایت اسطوره‌ای در شمال شرقی مرزهای ایران قرار دارد، یعنی جایی که کوچ‌نشینان تورانی در آن مستقر بودند. البته توران در این روایت خود بخشی از جهان ایرانی است که کوچ‌نشینان در تقابل و کشاکشی مستمر با یکجانشینان قرار داشتند. اما برخلاف این روایت اسطوره‌ای و البته حضور تاریخی ترکان در شمال شرقی سرزمین ایران بزرگ فرهنگی، پان‌تورانیسم نه در آن سامان که در جهت عکس و در شمال غربی روسیه و اروپا ازجمله در فنلاند بود که بر صحنه کیتی ظاهر شد. تکاپوی گروهی از زبان‌شناسان بود که مجموعه‌ای از زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌هایی را که در زبان‌های سامی یا هندواروپایی جای نمی‌گرفتند، زبان‌های تورانی نام نهادند و سپس یک جغرافیا هم برای آن‌ها تعریف شد. به سخن دیگر، توران برگرفته از این نگاه، نه در نسبت جغرافیایی با توران قدیم بود و نه در حوزه زبانی سنخیتی با توران قدیم داشت. این رویکرد که در ابتدای سده نوزدهم میلادی ظهور کرد، به‌سرعت با رشد و بالندگی زبان‌شناسی به صورت کامل به کناری گذاشته شد، اما اثرات آن دیرپاتر از آن بود که با تحول زبان‌شناسی به کلی کناری رود و به این ترتیب در حوزه سیاسی که خود را ملزم به کرنش در برابر دانش و علم نمی‌داند، این قصه و افسانه دوام آورد و بعدها با پان‌ترکیسم هم درآمیخت. اگرچه کم‌توجهی مرمز تاریخی به تحولاتی از این دست، تنها خاص ایران نیست، اما وقتی این روایات ایدئولوژیک اثرات خود را بر جهان ایرانی برای گذارده باشد، نتایجنا شایسته بی‌توجهی و کم‌توجهی نیست، بلکه باید برای شناخت وجوه گوناگون آن کوشید. در سه دهه گذشته، دانشمند فاضل، استاد کاوه بیات، در روشنگری تاریخی درباره افسانه‌هایی

و دیگر تجارب تاریخی ایران، نگاهی کوتاه و آسیب‌شناسانه به علل اصلی و موانع جدی تشکیل دولت فراگیر ملی در عصر جمهوری اسلامی ایران انداخته و آن را به‌عنوان تجربه دیگری به دولت وفاق نشان می‌دهد، زیرا پرداختن به نگاه ملی و موضوع اقوام ایرانی و اقلیت‌های مذهبی ساکن در سرزمین ایران هم به لحاظ تاریخی و هم از منظر ملی و به‌ویژه شرایط و تحولات و تنش‌های خشونت‌بار قومی و مذهبی که هم‌اینک در جهان اسلام، خاورمیانه و کشورهای همسایه ایران در حال وقوع است، شایسته توجه جدی است.

۱. در نخستین گام دولت ایران باید به ساکنان جغرافیایی سیاسی ایران اعم از اقصا، اقوام، طوایف و اقلیت‌های مذهبی و دینی، نگرشی ملی و فراگیر و ترجیحاً غیرایدئولوژیک داشته باشد. آسیب‌شناسی نگرش ایدئولوژیک به اقوام ایرانی و اقلیت‌های مذهبی در چهار دهه گذشته بیانگر آن است که سیاست‌ها و برنامه‌های محدودکننده و تقسیم‌بندی‌های متعدد مذهبی با عناوین و واژه‌های گوناگون از قبیل شیعه و سنی، دسته‌بندی مذهبی بین اقلیت سنی و اکثریت شیعه مانند شیعه ولایی و غیرولایی، عام و خاص و... موجب گسست ملی و مذهبی شده و از منظر دلبستگی و پیوستگی آنها به دولت مرکزی شاهد روند کاهش بوده‌ایم، به گونه‌ای که شعاع جغرافیایی سیاسی ایران که از یک سو محل اسکان و زندگی اقوام ایرانی و اقلیت‌های مذهبی بوده و از سوی دیگر ...

ادامه در صفحه ۱۱

که روزی لباس علم بر تن داشتند، تلاشی درخور تحسین داشته است. یکی از آخرین کارهای این نویسنده و مترجم سخت‌کوش، کتاب پان‌تورانیسم از سیاست شرقی بریتانیا تا ابزار توسعه‌طلبی ترکیه است که از سوی نشر شیرازه وارد بازار کتاب شده است. اثری روشنگر است که زوایای مهمی از تحول مفهومی پان‌تورانیسم و سپس پان‌ترکیسم را به خوانندگان، متخصصان و علاقه‌مندان ارائه می‌کند. با وجود صدها مؤسسه دانشگاهی و نهادهای پژوهشی دولتی، توجه به تحولات حوزه پیرامونی کشور در سده گذشته در دستور کار جدی این مؤسسات قرار نداشته؛ این در حالی است که در این سال‌ها، محقق برجسته‌ای همچون استاد کاوه بیات به تهیه‌ی به اندازه یک دیپارتمان دانشگاهی به تحقیق، ترجمه و تألیف پرداخته است. در کتاب پان‌تورانیسم کاوه بیات با انتخاب چند رساله و کتاب و اسناد نظامی ارتش بریتانیا، اطلاعات و داده‌های فنی جذاب و تازه‌ای به مخاطب فارسی‌زبان ارائه شده است. زبان‌های تورانی و پان‌تورانیسم به قلم ولادیمیر مینورسکی نخستین بخش کتاب است که به دلیل مهارت و دانش عمیق مینورسکی، حاوی اطلاعات مهم و مختصری درباره ظهور تورانیسم است. در ادامه مقاله مهمی به قلم میکائیل آرمان‌احراری به تشریح نقش مکس مولر، دانشمند آلمانی مستقر در بریتانیا و یوری کاسکین در فنلاند با رویکرد ضد روسی به توران‌پژوهی پرداخته که تلاش کردند به ارائه تعریفی از یک هویت فنلاندی با هدف کسب استقلال از روسیه دست یابند. رقابت‌های میان آلمان، فرانسه و روسیه بر سر مرزبندی اروپا در قالب نژاد ژرمنی و اسلاویسم تا برآمدن تورانیسم در این فرایند در اثر مارلن لارول به خوبی واکاوی شده است. همکاری آرنولد توین بی، دانشمند شناخته‌شده انگلیسی، با اداره اطلاعات وزارت امور خارجه بریتانیا برای استفاده دوایر نظامی بریتانیا هم به تدوین رساله‌ای با نام نهضت پان‌تورانی منجر شده است. توین بی در این رساله اطلاعات بسیار مفیدی درباره جریان‌های پان‌تورانی، به‌ویژه در عثمانی سابق ارائه می‌کند. رساله راهنمای تورانیان و پان‌تورانیسم که از سوی اداره اطلاعات نیروی دریایی بریتانیا منتشر شده و نیز فصلی از کتاب ترک‌های آسیای میانه در تاریخ به قلم بانوی مردم‌شناس لهستانی ماریه آنتولات جاپلیسکا از دیگر آثار ارزنده‌ای است که در این کتاب ترجمه و منتشر شده است.

ادامه در صفحه ۱۱

برگزیده‌ها

گزارشی تحلیلی از مشکلات و معضلات رد مرز؛ فعالان مدنی و سیاسی اتناح حاضر در ایران کمک می‌خواهند

این رسم پناهندگی نیست

میزان کمبود گاز به حدود یک‌سوم و کمبود برق به حدود یک‌پنجم نیاز مصرفی کشور رسیده است

خط قرمز کسری انرژی

اسرائیلی‌ها دیگر در جمهوری آذربایجان امنیت ندارند

سفر هرتزوگ به باکو به دلایل امنیتی لغو شد

تأثیر مهران مدیری بر بازیکنان تیم ملی

روسیه یکی از بزرگ‌ترین حملات خود را به زیرساخت‌های انرژی اوکراین ترتیب داد

هزاره جنگ

آنچه گذشت

«سنی کتیرن، سنه دیر گت!»

یادداشتی از امیر سیدین

یادداشت

بازارها سهمیه‌بندی می‌کنند



زهراکریمی

عضویت علمی بازنشسته دانشگاه‌ماندندان

ناترازی در عرصه‌های مختلف به یکی از ویژگی‌های مهم اقتصاد ایران تبدیل شده است. این ناترازی‌ها بحران‌های مهمی در بودجه، بخش انرژی، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، آب و... شکل داده است که با گذشت زمان ابعاد آنها بزرگ‌تر و حلشان دشوارتر می‌شود. بیشتر اقتصاددانان و سیاست‌مداران معتقدند تداوم وضعیت کنونی ناممکن است و به نارضایتی فرآیندهای منجر می‌شود، به همین دلیل بر ضرورت تغییر مسیر اقتصاد ایران تأکید می‌کنند. در جلسه اقتصاددانان با رئیس‌جمهور در ۲۰ آبان نیز این اجماع نظر دیده می‌شد.

مسئله اصلی یافتن راهکار مناسب برای حل مشکل ناترازی‌های فرزاننده و کمبود عرضه است. در شرایط کمبود عرضه و در غیاب قیمت‌گذاری از سوی دولت، بازارها، با بالا بردن قیمت، به طور خودکار سهمیه‌بندی می‌کنند و کالا یا خدمات محدود را صرفاً به بخشی از متقاضیان عرضه می‌دارند و فقرا و گروه‌های کم‌درآمد را از صف تقاضا بیرون می‌کنند. بازار به عدالت اجتماعی بی‌توجه است و بار اصلی کمبود را به دوش ضعیف‌ترین اقشاری می‌اندازد که در شکل‌گیری بحران نقش نداشته‌اند.

تجربه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که قیمت‌گذاری دولتی و سهمیه‌بندی کالاها در شرایط کمبود عرضه یکی از راهکارهای حل مشکل ناترازی در دوران بحران (عموماً جنگ‌های نظامی یا جنگ اقتصادی) است تا حداقل معیشت مردم فقیر و کم‌درآمد و اقشار متوسط تأمین شود.

چنین نیز در دوران اصلاحات اقتصادی در دهه ۱۹۸۰ برای مدت‌ها سیاست قیمت‌های دوگانه را به اجرا گذاشت. برای تأمین حداقل مصرف تمامی کالاهای اساسی سهمیه‌بندی با قیمت‌های دستوری ادامه یافت ولی برای خرید و فروش همین کالاها، بیشتر از حداقل اعلام‌شده از سوی دولت، قیمت‌های تعادلی در بازار تعیین می‌شد.

ادامه در صفحه ۱۱